

بررسی رابطه انسان و طبیعت با رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی (مطالعه موردی: روستای لزور - استان تهران)

آوازه دولتشاهی، مهدی قربانی و علی حمیدیان*

دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران. *ایانامه نویسنده مسئول: Hamidian_a@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۰۵

چکیده

در جهان امروز توجه به روابط انسان و طبیعت از اهمیت بالایی برخوردار است. تحقیق حاضر که در روستای لزور از توابع استان تهران در جهت توسعه پایدار انجام شد تا با استفاده از رویکرد تحلیلی-توصیفی به مطالعه رابطه روستاییان با طبیعت پردازد. بدین منظور نهاد اجتماعی بهره‌برداری از منابع طبیعی و نیز دانش بوم‌شناختی محلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که اهالی روستای لزور دارای دانش بوم‌شناختی قوی در زمینه‌های شناخت طبقه‌بندی و تعیین ظرفیت مراتع و نیز شیوه‌های سنتی مدیریت آب هستند. از سوی دیگر دانش بوم‌شناختی روستاییان این امکان را فراهم آورده که یک چرخه زمانی و مکانی مدون جهت مدیریت دام تهیه شود. بر اساس نتایج در روستای لزور مجموعه‌ای از کنش‌های اجتماعی تحت عنوان بازیگری بر روابط متقابل روستاییان و طبیعت موثر است. در برنامه‌ریزی و توسعه پایدار منابع طبیعی ضرورت دارد که متخصصین امر، آگاهی لازم از وجود انواع یاری‌گری‌ها را در این روستا داشته تا بر اساس این پتانسیل‌های فرهنگی بتوان جهت پایداری روستا از لحاظ زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی گام‌های موثری برداشت. نتایج این پژوهش نشان داد که روستاییان لزور در زمینه مدیریت پایدار منابع طبیعی دارای دانش و فرهنگ غنی می‌باشند که خود بیانگر ضرورت بازنگری در برنامه‌ریزی مدیریت منابع طبیعی این روستا دارد تا بتوان سیاست‌هایی هم‌سو با قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی این روستا تدوین نمود.

واژه‌های کلیدی: مردم‌شناسی، مدیریت منابع طبیعی، جامعه روستایی، یاری‌گری.

مقدمه

دوران‌های زندگی بشری سپری شده است. هولناک بودن این قرن بیش از همه در راستای ویرانی دو زیستگاه اصلی بشری یعنی زیستگاه طبیعی و فرهنگی جلوه کرده که تمام هستی امروز انسان و

قرن بیستم میلادی بدون شک یکی از سده‌های شگفت‌انگیز در تاریخ جهان بوده که نباید همه خصوصیات آن را از دیدگاه مثبت نگریست، به طوری که در بسیاری از زمینه‌ها یکی از هولناک‌ترین

ارتباط بوده اثراتی روی یکدیگر بر جای گذاشته‌اند، ولی تاثیر طبیعت بر اجتماع در گذشته بی‌اندازه گسترده و عمیق بوده و انسان‌ها اسیر طبیعت و نیروهای مهار نشده آن بودند. این تاثیر در پرتو پیشرفت فرهنگ‌ها و تکامل اجتماعات مداوم محدود و محدودتر گردیده است (حمیدیان و قربانی، ۱۳۸۹). روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر و با محیط‌زیست در طول زمان دانش بومی را ایجاد کرده است که در زمینه‌هایی چون زبان، اطلاعات گیاه‌شناسی و جانورشناسی و نیز مهارت‌های دستی و کشاورزی یک قوم جلوه‌گر می‌شود که همگی زاینده تلاش انسان در محیط زیست است (کرانی و رستمی، ۱۳۸۶).

یکی از مشکلات عمده پایداری جوامع روستایی در کشورهای جهان سوم از جمله ایران در این است که همواره کشاورزی و مردم روستایی به دلایل گوناگون جزئی فعال از نظام این کشورها به حساب نیامده و از محیط بیرون به آنان نگرسته شده است. که با چنین نگاهی نمی‌توان علم و تکنولوژی را به دنیای این افراد وارد کرده تا بتوان نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها را متحول نمود و جامعه روستایی را به توسعه پایدار رسانید (کلانتری، ۱۳۸۳). البته توجه به این مسئله که آیا علم و دانش امروزی به تنهایی قادر به پاسخگویی نیازهای نسل حاضر و آتی بشری می‌باشد خود سوالی است که باید برای آن جواب مناسبی یافت (Meddison, 2009). شکست بسیاری از استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه، اندیشمندان را متوجه این امر کرده است که عدم توجه به دانش بومی به عنوان بستر و خاستگاه بسیاری از فناوری‌های جدید می‌تواند به شکست استراتژی‌هایی منجر شود که از رهیافتی یک سویه پیروی می‌کند (لهسائی‌زاده، ۱۳۸۲). تولید دانش و انتقال اطلاعات جدید بدون توجه به نیازهای جامعه بومی می‌تواند مشکلاتی را در فرآیند اجرای آنها فراهم آورد (عبدلی

آینده به آن وابسته است. زیستگاه طبیعی شامل حوزه‌های آبخیز و انواع مختلفی از منابع طبیعی، خاک، آب، جنگل، مرتع و حیات وحش می‌باشد (فاضل بیگی، ۱۳۸۶).

منابع طبیعی تجدید شونده از سرمایه‌های ملی و با ارزش کشورها محسوب شده و حفظ و توسعه آن از وظایف عموم مردم و بخصوص بهره‌برداران از این منابع است. راهکارهای متنوعی در این زمینه برای استفاده بهینه و حفاظت پایدار منابع طبیعی مطرح شده که مشارکت مردمی در این میان بیش از سایر موارد شده است. مشارکت مردمی دستیابی به پایداری در منابع طبیعی را ضمن افزایش اطمینان از موفقیت و امیدواری به استمرار برنامه‌ها تسهیل می‌نماید (قربانی و همکاران، ۱۳۹۱).

در اهمیت ابعاد انسانی دستیابی به توسعه پایدار می‌توان بیان نمود که یک محیط از سه عنصر مهم و اساسی شامل عناصر طبیعی (تمامی پدیده‌های طبیعی)، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شده است که دستیابی به پایداری در یک سیستم یا محیط در گرو تعادل و پایداری هر سه عنصر فوق خواهد بود. لذا منابع اجتماعی و در کنار آن منابع فرهنگی از اهمیت بسزایی در توسعه پایدار منابع طبیعی است برخوردار بوده و در نظر گرفتن همه این عناصر در مدیریت یک زیست‌بوم امری اجتناب ناپذیر است (Jena and Seeland, 1993). جوامع انسانی و منابع طبیعی مستقل از یکدیگر نیستند. مطالعه در زمینه ابعاد اجتماعی و انسانی مدیریت منابع طبیعی از جمله شیلات، مرتع، جنگل و به طور کلی محیط زیست از چندین دهه گذشته توسعه یافته به شکلی که برخی پژوهشگران معتقدند که توسعه پایدار منابع طبیعی در پایداری اجتماعی، اقتصادی و طبیعی معنا پیدا می‌کند (Bodin et al., 2006).

طبیعت و جوامع بشری همواره با یکدیگر در

(فلاح و خدایی، ۱۳۹۱). دامداری پس از کشاورزی مهم‌ترین شیوه تولید در جامعه روستایی است، به طوری که این دو پدیده در اقتصاد روستایی ایران مکمل یکدیگر می‌باشند. بنابراین بیشترین حجم و تنوع یاری‌گری و مشارکت پس از کشاورزی پیرامون دامداری شکل گرفته است (فرهادی، ۱۳۸۷).

تحقیق حاضر به بررسی سازوکارهای دامداری و کشاورزی و شیوه‌های سنتی مدیریت آب از گذشته تا به امروز پرداخته در روستای لزور از توابع استان تهران پرداخته است. هدف اصلی از این تحقیق معرفی و شناخت جامعه روستایی و بررسی کشاورزی و دامداری و تعاونی‌های سنتی بود که در گذشته و حال در بین روستاییان رایج بوده است.

مواد و روش‌ها

روستای لزور در دهستان قزقان‌چای بخش ارجمند از شهرستان فیروزکوه در استان تهران قرار دارد. این روستا در منتهی‌الیه سرشاخه رودخانه سیاه‌رود قرار گرفته است و بر اساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن دارای جمعیتی برابر ۲۱۶۰ نفر شامل ۵۲۱ خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). حدود ۷۲ درصد از مردم روستا باسواد بوده شغل اغلب آنها دامداری نیمه‌کوچنده است.

رویکرد اصلی بررسی در این پژوهش بر مبنای بررسی‌های مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی بوده که از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای در این زمینه استفاده نموده است. جمع‌آوری اطلاعات در بخش کتابخانه‌ای از منابع مکتوب با چارچوب مشخص درباره شرایط منطقه مورد مطالعه و جمعیت افراد شامل صورت گرفته است (اداره جهاد کشاورزی فیروزکوه، ۱۳۸۵). جمع‌آوری داده‌ها در بخش میدانی در این قسمت از طریق مراجعه و حضور در منطقه و مشاهده مستقیم همراه با مصاحبه کیفی از گروه‌های

و وره‌رامی، ۱۳۸۹). توجه به دانش بومی سبب درک زوایای مختلفی می‌شود که حاصل قرن‌ها آزمون و خطای مردمی است (محمدی، ۱۳۷۸). توسعه بدون توجه به نیازهای جوامع بومی موجب خواهد شد تا مشکلات یکی پس از دیگری نمایان شده و دانش نوین از حل آن به تنهایی عاجز بماند (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۱).

بازنگری و توجه به دانش بومی در کشورهای در حال توسعه طی سالیان اخیر افزایش یافته است (Hamidian & Zare Chahouki, 2012). غفلت از دانش بومی و ارزش‌های بهره‌برداران مراتع به منزله اتلاف منابع است. بنابراین مناسب خواهد بود که پژوهشگران در هیافت خود نسبت به مراتع و اهداف توسعه‌ای در آنها بازنگری کرده و در پی شناخت و تلفیق دانش بومی با دیگر دانسته‌ها در این زمینه باشند (پاپ‌زن و افشارزاده، ۱۳۸۹).

کمبود مطالعات جامع درباره جامعه بومی به ویژه در زمینه ویژگی‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی روستایی و ایلی ایران از گذشته آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بار آورده است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۲). سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های نادرست، عدم توجه به شرایط اجتماعی بومی و شناخت ناقص از شرایط و امکانات وارداتی سبب نابودی بسیاری از تاسیسات کشاورزی سنتی، فراموشی روش‌های آبیاری و زراعت، تضعیف سازمان‌ها و شیوه‌های تعاون سنتی بدون جایگزین تاسیسات و سازمان‌های کارآمد و موثر در این زمینه‌ها شده است (فرهادی، ۱۳۹۱).

یاری‌گری از ویژگی‌های جوامع سنتی ایران بوده که از گذشته تا به امروز برای مقابله با دشواری‌های زندگی اجتماعی استفاده گردیده است. با ورود تکنولوژی مدرن به ایران و تغییر زیربنای اقتصادی، فردیت در بعد اقتصادی و فرهنگی بیشتر شده و همیاری و تعاون به شکل سنتی از بین رفته است

هدف (دامداران و کشاورزان) انجام پذیرفت.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در دانش بومی با رویکردی تحلیلی-توصیفی به معرفی نمونه‌های مشاهده شده پرداخته شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده در دو بخش کلی مدیریت مرتع و مدیریت آب ارائه گردیده است. در هر بخش برای جمع‌آوری اطلاعات با ۱۵ نفر از بهره‌برداران شامل گله‌داران، کشاورزان و باغ‌داران که توسط شورای اسلامی روستا و دهیاری لزور معرفی گردیده بودند، مصاحبه کیفی و رودررو صورت گرفته است.

نتایج

استفاده از مراتع بر اساس دانش بوم‌شناختی محلی

روستای لزور بر اساس بررسی‌های انجام شده دارای ۱۰۰۰۰ راس دام با غالبیت ترکیب گله‌ای گوسفند است که معمولاً هر خانواده یک یا دو گاو شیرده نیز نگهداری می‌کند. هر دامدار که بیش از ۷۰ راس دام در روستای لزور داشته باشد به عنوان گنه‌چکنه شناخته می‌شود که هیچ گنه‌چکنه‌ای نباید بیش از ۱۵۰ راس گوسفند داشته باشد و اگر تعداد دام وی از ۱۵۰ راس گوسفند بیشتر باشد به این معنی است که لزوری دیگری گوسفند ندارد. ظرفیت مراتع در تعلیف دام‌ها نیز بر حسب واحدی به نام "خیل"

تعیین شده است که هر خیل عبارت از ظرفیت تعلیف ۱۰۰۰ راس گوسفند و بز می‌باشد. با توجه به ظرفیت مراتع ۷ گله در روستا شکل گرفته (جدول ۱) که هر گله دارای یک مسول به نام "سرچکنه" است که از میان دامداران بزرگ انتخاب می‌شود. برخی از وظایف سرچکنه عبارت از تعیین زمان دقیق ورود به مرتع، نظارت بر قرق مراتع، تعیین دستمزد چوپان‌ها آن از دامداران دیگر، تهیه داروهای مورد نیاز، تعیین موقعیت دام‌ها برای اسکان و زمان جداسازی بره‌ها از گله‌ها بود.

تعدادی از بهره‌برداران جهت تشکیل گله در مراسمی بنام "رمه‌لته" به صورت داوطلبانه و یا برحسب قرعه در کنار هم قرار می‌گیرند. دو چوپان به ازای هر ۴۰۰ راس استفاده شده که با دستمزدی ماهیانه‌ای برابر ۴۵۰۰۰۰ تومان برای مدت ۱ سال به کار مشغول خواهند شد. آذوقه مورد نیاز چوپان‌ها در مراتع به آنان رسانده می‌شود که جهت انجام این کار به ازاء هر ۵ راس دام، یک شب گذارسانی به عهده صاحب دام بود. بر این اساس دامداری با ۱۰۰ راس دام موظف است که در ۲۰ روز از طول دوره چرای دام در مرتع، آذوقه رسانی به چوپانان گله را به عهده گیرد.

جدول ۱. ظرفیت مراتع روستای لزور

نام مرتع	ظرفیت مرتع (بر حسب راس دام)
ونده بده	۱۰۰۰
سیاه‌رود	۱۰۰۰
وردو	۲۰۰۰
فیر	۱۰۰۰
ورند	۲۰۰۰
کبود نو	۱۵۰۰
تارینزا	۱۵۰۰

جدول ۲. مشخصات مراتع تابستانه روستای لزور

نام مرتع	موقعیت جغرافیایی	وسعت (هکتار)	نوع دام	تعداد دام	زمان ورود	زمان خروج
تارنیزا	شرق و جنوب شرقی	۱۸۴۹	گوسفند	۱۳۵۰	۱۵ خرداد	۱۵ شهریور
کیودنو	شرق	۲۰۵۵	گوسفند	۱۵۰۰	۱۵ خرداد	۱۵ شهریور
ورند	شمال شرقی	۲۷۴۰	گوسفند	۲۰۰۰	۱۵ خرداد	۱۵ شهریور
فیر	شمال	۱۶۴۴	گوسفند	۱۲۰۰	۱۵ خرداد	۱۵ شهریور
وردو	شمال و شمال غربی	۲۷۴۰	گوسفند	۲۰۰۰	۱۵ خرداد	۱۵ شهریور
سیاه‌رود	غرب و شمال غربی	۱۶۴۴	گوسفند	۱۲۰۰	۱۵ خرداد	۱۵ شهریور
ونده بده	غرب و جنوب غربی	۱۳۷۰	گوسفند	۱۰۰۰	۱۵ خرداد	۱۵ شهریور
ونده بده	غرب و جنوب غربی	۶۰۰	گاو	۳۰۰	۱۵ خرداد	۱۵ شهریور
-	-	۱۴۶۴۲	-	۱۰۵۵۰	-	-

اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.

- مراتع حاشیه روستا (مراتع خرطو و کشرکز از مراتع اطراف روستا هستند که دام‌های داخل روستا و صرفاً، نه‌ها، به همراه میش‌های نازا و میش‌های بره مرده (با مجموع حدود ۲۰۰۰ راس) از آن استفاده می‌کنند. زمان استفاده از این مراتع در طول زمستان و قبل از رفتن به کویر می‌باشد.

- مراتع کویر: مراتع سمنان و گرمسار مراتع کویری این روستا بودند.

دامداران برای استفاده از مراتع کویر به چند گروه تقسیم می‌شوند. گروهی پس از پایان فصل تابستان مستقیماً به کویر رفته و از مراتع قشلاقی لزور استفاده نمی‌کنند. گروهی دیگر گوسفندان خود را ۱۰ روز زودتر از سایر دامداران از مراتع قشلاقی روستا آورده و پس از زاد و ولد به کویر می‌روند. گروهی نیز از حدود اول فروردین تا حداکثر ۱۵ فروردین به کویر می‌روند. حدود ۹۵ درصد از دام‌های لزور در این زمان در کویر خواهند بود.

گفته‌چکنه‌ها جلسه‌ای را قبل از حرکت گوسفندان به سمت کویر (در فروردین ماه) تشکیل داده و مراتع تابستانه را قرعه‌کشی می‌کنند تا پس از بازگشت از کویر به مراتع مشخص شده بروند (جدول ۲). علوفه

مراتع قشلاقی روستا از ۱۵ شهریور لغایت ۱

بهمن مورد استفاده قرار می‌گیرند. دامداران در اوایل بهمن همزمان با زاد و ولد میش‌ها برای حفاظت بیشتر و تغذیه بهتر آنها را به روستا و مراتع حریم هدایت می‌کنند. اسامی مراتع قشلاقی روستا به قرار زیر است:

- میرک: دام‌هایی که در مراتع تابستانی تارنیزا اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.
- پایین ترمان: دام‌هایی که در مراتع تابستانی کیودنو اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.
- بالاترمان: دام‌هایی که در مراتع تابستانی ورند اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.
- سیکان: دام‌هایی که در مراتع تابستانی ورند اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.
- سگ‌چال: دام‌هایی که در مراتع تابستانی فیر اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.
- کنول: دام‌هایی که در مراتع تابستانی وردو اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.
- دله میان: دام‌هایی که در مراتع تابستانی وردو اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.
- کوکستان: دام‌هایی که در مراتع تابستانی سیاه‌رود اسکان داشتند در این مراتع نگهداری می‌شوند.
- ورگین: دام‌هایی که در مراتع تابستانی ونده بده

یاری‌گری‌ها

بحث یاری‌گری‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در فرهنگ روستایی و دانش بومی ایران است. منظور از یاری‌گری، همسویی کوشش‌های دو یا تعداد بیشتری از افراد برای دستیابی به هدف یا اهداف معین با نیت و منظوری واحد یا متفاوت است که مطالعه این یاری‌گری‌ها از اهمیت خاصی در مدیریت منابع طبیعی برخوردار است (فرهادی، ۱۳۸۷). یاری‌گری‌ها از لحاظ سمت و سوی کنش یاری به دگریاری، همیاری، خودیاری و تعاونی سنتی تفکیک می‌شوند. یاری‌گری‌های شناسایی شده در روستای لزور را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی نمود:

- **کایری:** یکی از روش‌های همیاری در امور کشاورزی-باغداری بوده است. کارگر روزمزد قبل از انقلاب برای امور کشاورزی رایج نبوده و اعضای فامیل در امور کشاورزی به کمک هم می‌رفتند.
- **تامین نهاده‌های کشاورزی به صورت قرضی:** افرادی که توانایی خرید بذر و دیگر نهاده‌های اولیه را نداشتند از بستگان خویش نهاده را قرض نموده و قرض خود را پس از برداشت محصول پس می‌دادند.
- **وره ولج (شیر چینی):** مراسمی که در آن هر دامدار اعضاء فامیل و سایر کسانی که دام نداشته را به محل خیل دعوت می‌کرد و پس از صرف نهار پشم‌چینی آغاز می‌شود.
- **نوروزی خوانی:** مراسم دیگری است که چوپان‌های ده نزدیک عید به خانه صاحبان دام می‌رفتند و شعر و سرود می‌خواندند تا صاحبان دام به آنها هدیه (معمولاً آجیل، شیرینی) می‌دادند.
- **چوپان دعوت:** مهمانی‌ای می‌باشد که

مورد نیاز دام‌ها غالباً از مراتع روستا تامین می‌شود. اما زمانی که دام‌ها در روستا هستند، از علوفه دستی استفاده خواهد شد. شیر و دام زنده مهمترین فرآورده‌های دامی منطقه را طبق بررسی‌ها تشکیل می‌داد که از آن جمله می‌توان به کره، روغن حیوانی، کشک و آروشه (قره قوروت) اشاره کرد.

شیوه‌های سنتی مدیریت آب و آبیاری

آبی که از چشمه موجز واقع در ارتفاعات منطقه سیاه‌رود و از دامنه قله میشینه مرگ سرازیر می‌شود، وارد رودخانه‌ای به نام هزار یا سیاه‌رود شده و در منطقه‌ای به نام بالا لاسک به ۱۸ ور (بخش) تقسیم و ۲ ور در رودخانه رها می‌گردد تا اراضی پایین دست نهرها آبادی را مشروب سازد. تقسیمات آب رودخانه به شرح ذیل می‌باشد. هفت ور به سمت نهر هاردی رفته و یک ور به سمت نهرها پی سرخه بالا لاسک ده ور به سمت پایین لاسک معروف به تنگه هدایت می‌گردد تا از آنجا نهرهای کیوان (سه ور) شرچی (چهار ور) و دکله (سه ور) مشروب شود. از جمله اصطلاحات مدیریت آب در این روستا میتوان به سربنه سه اشاره کرد که به کشاورزانی گفته می‌شود که مسئولیت گردش آب را در قسمتی از اراضی برعهده دارند. وظایف سربنه شامل انتخاب میرآب، تعیین حق‌آبه بین بهره‌برداران و تصمیم‌گیری در خصوص بازسازی و مرمت چشمه‌ها و نهرها است.

چکنه اصطلاح دیگری در زمینه بهره‌برداری از آب‌ها بوده و به کشاورزانی گفته می‌شود که دارای زمین‌های کوچکی بوده و تحت نظر سربنه‌سه‌ها به عملیات آبیاری می‌پردازند. هر بنه‌سه، بین ۱۰ تا ۲۵ چکنه را تحت پوشش خود دارد. ور نیز واحد سنجش دبی نهرها بوده و عبارت از میزان آب عبوری از لوله‌ای به قطر ۱۵ سانتی‌متر است.

درباره جامعه بومی و از آن جمله کمبود مطالعات مردم‌شناسی درباره جوامع روستایی ایران در عمل آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به بار آورده است.

بر اساس تحلیل جنبه‌های مختلف دانش بومی می‌توان به نتایج مختلفی در ابعاد گوناگون دست یافت. نتایج نشان‌دهنده آن است که اهالی روستای لزور دارای دانش بوم‌شناختی قوی هستند که در زمینه‌های مدیریت دام، مدیریت منابع آب و آبیاری، تعیین ظرفیت و طبقه‌بندی مراتع مشاهده شد. غفلت از دانش بومی و ارزش‌های بهره‌برداران حوزه آبخیز به منزله اتلاف منابع است (رحیمی سجاسی، ۱۳۹۰). بنابراین مناسب خواهد بود که پژوهشگران در ارتباط یافته‌های خود در این حوزه بازنگری کرده و درصدد شناخت و تلفیق دانش بومی با دیگر دانسته‌ها در این زمینه باشند. دانش بوم‌شناختی روستاییان این امکان را فراهم آورده است که یک چرخه زمانی و مکانی مدون را جهت مدیریت دام تهیه نمود که نیاز دام به علوفه را بتوان در فصول مختلف و با توجه به شرایط اقلیمی محیط تامین نمود.

مجموعه‌ای از قوانین عرفی در روستای لزور همچنان بر مدیریت و بهره‌برداری از مراتع حاکم است که نشان‌دهنده پایداری این دسته از قوانین است که نه از جانب دولت بلکه از بطن جامعه روستایی و بر اساس نیازهای اقتصادی اجتماعی پدید آمده و تا به امروز کارایی خود را حفظ کرده‌اند.

مبحث یاری‌گری از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در فرهنگ روستایی ایران است. خانواده‌های روستایی از گذشته‌های دور به علت نیازهای مشترک و به خاطر مبارزه علیه عوامل نامساعد طبیعی و دیگر مشکلات معیشتی با یکدیگر همکاری و اشتراک و مساعی داشته‌اند. به طور کلی کنش‌های متقابل پیوسته به هنگام وقایع خوشایند یا ناخوشایند زندگی، که از عادات قدیمی و سنت‌های

دامداران، فامیل‌های خود را در هر زمستان (یک بار) پس از برگشت گوسفندان از محل چفت دعوت می‌کرد.

- **قوچ‌اندازی:** مراسمی است که در آن قوچی را هنگام شروع چفت‌گیری گله مانند داماد آیین بسته و به میان گله رها می‌کردند و از آن موقع چفت‌گیری گله شروع می‌شود.
- **ایل جاری:** عملیات لایروبی نهرهای آبیاری است که در اوایل بهار انجام می‌شود. صاحبان زمین در جریان لایروبی به گروه‌های مشخصی تقسیم شده و هر گروه نهرهای مربوط به اراضی خود را لایروبی نموده و قسمت‌های مشترک جوی‌ها نیز توسط تمامی افراد لایروبی می‌شود. رهبری ایل جار با گروهی از سربندها است که افراد صاحب زمین را از طریق اعلان عمومی تمامی برای انجام عملیات با خبر می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

توجه به سه مقوله اساسی منابع اجتماعی، فرهنگی و طبیعی در مدیریت پایدار زیست‌بوم‌ها ضروری است و چه بسا مباحث انسانی جایگاه ویژه‌ای را در چگونگی مدیریت پایدار در یک زیست‌بوم گیرد. دانش بومی هر جامعه‌ای در این میان برای بهره‌برداری از منابع طبیعی، پایدارترین روشی است که با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی آن منطقه مطابقت دارد. مردم روستای لزور طی سدها سال ضمن حفظ طبیعت از محیط زیست بهره‌برداری کرده‌اند، چرا که آنها ضوابطی را در طول زمان برای دخالت در طبیعت آموخته و به کار گرفته شده‌اند. این قوانین نانوشته در طول سال‌ها توسط گروه‌های انسانی به وجود آمده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند. این در حالی است که کمبود مطالعات همه‌جانبه

کهن روستایی ناشی میشود، نشانه‌هایی است که وجود همکاری را میان خانواده‌های روستایی تأیید می‌کند. برای مثال می‌توان به خودیاری مشاع در استخدام چوپان اشاره نمود که نشان از نوعی روحیه یاری‌گری و مشارکت در امور دامداری بین افراد یک روستا دارد. همکاری میان خانواده‌های روستایی، اعضای طایفه یا شبکه خویشاوندی در گذشته بیشتر معمول بود و بخش مهمی از زندگی اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گرفت، اما این همکاری‌ها در سال‌های اخیر همواره با دگرگونی‌های جامعه روستایی دستخوش تغییرات زیادی شده و میزان آن تا حد زیادی کاهش یافته است.

امروزه روحیه حسابگرانه و مادی‌گری در میان روستاییان رواج پیدا کرده و ممکن است در آینده گسترش بیشتری حاصل کرده و جنبه‌های مختلف زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی را در برگیرد (آسایش و قنبری، ۱۳۸۷). بنابراین ضرورت دارد جهت مدیریت عرصه‌های مرتعی به این نوع توانایی‌های فرهنگی توجه بیشتر شده و در مدیریت مشارکتی عرصه‌های مرتعی از آنها بهره‌گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که روستاییان لزوم در زمینه مدیریت پایدار منابع طبیعی دارای دانش و فرهنگ غنی می‌باشند که خود بیانگر ضرورت بازنگری در برنامه‌ریزی مدیریت منابع طبیعی این روستا دارد تا بتوان سیاست‌هایی هم‌سو با قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی این روستا تدوین نمود.

منابع

اداره جهاد کشاورزی شهرستان فیروزکوه (۱۳۸۵). گزارش سالانه اداره جهاد کشاورزی، آمار و اطلاعات بخش ارجمند.

آسایش، ح. و قنبری، ن. (۱۳۸۷) مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی ایران. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد

کرمانشاه. ۲۷۰ صفحه.

پاپ‌زن، ع. و افشارزاده، ن. (۱۳۸۹) سازوکارهای بومی مدیریت مرتع عشایر کوچنده‌ی ایل کلهر. فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مرتع و بیابان ایران. ۱۷(۳): ۲۱-۳۸.

حمیدیان، ع. و قربانی، م. (۱۳۸۹) بررسی ساز و کارهای رابطه انسان و طبیعت در روستای ایبانه. مجموعه مقالات دومین همایش ملی مرتع، آبخیز و بیابان. کرج، اسفند: ۱۶۵-۱۷۱.

حیدری، ق.، خلیلیان ص. و ارزانی، ح. (۱۳۸۲) بررسی و تحلیل مشکلات اقتصادی اجتماعی طرح ساماندهی خروج دام و تجمیع جنگل نشینان در جنگل‌های شمال (مطالعه موردی در منطقه لفور سوادکوه. پژوهشنامه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خزر. ۱(۴): ۱۹-۳۰.

طالب، م. (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی روستایی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران. ۵۷۰ صفحه.

رحیمی سجاسی، د. (۱۳۹۰) شیوه‌های تولید دانش (درآمدی بر تولید دانش بومی). انتشارات بوستان کتاب قم. ۲۲۴ صفحه.

عبدلی، ق. و ورهرامی، و. (۱۳۸۹) تاثیر بهبود تولیدات کشاورزی بر فقر در بخش روستایی. فصلنامه پژوهش‌های روستایی. ۱(۲): ۹-۱۷.

فاضل‌بیگی، م. (۱۳۸۶) بررسی نقش دانش بومی آبخیزداری در توسعه پایدار روستایی. چهارمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران مدیریت حوزه‌های آبخیز، کرج، اسفند. ۸۰-۹۳.

فرهادی، م. (۱۳۹۱). فرهنگ یاریگری در ایران (جلد اول: یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری). مرکز نشر دانشگاهی. ۴۵۶ صفحه.

فرهادی، م. (۱۳۸۷) واره (درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون). انتشارات سهامی انتشار، تهران. ۷۵۰ صفحه.

- benefits of Kabutarkhaneh, an Iranian traditional building. Proceeding of the 4th International EcoSummit, Columbus, USA, September: 36-43.
- Jena, M.K. and Seeland, K. (1993) Ethnic aspects of the Indian Sago Palm (*Caryota urens* L.), an Ethno-Botanical Study among Kutia Kandha, Adibasi, Indian Journal of Sustainable Environment, 33(3/4): 29-33.
- Meddison, M. (2009) Paradigm of Indigenous Knowledge and its role in Rural Governance. Journal of Rural Research and Management. 7(2): 12-19.
- فلاح، ا. و خدایی، ع. (۱۳۹۰) تحلیل سیستم انسانی در مدیریت حوزه آبخیز طالقان. پایان‌نامه کارشناسی. دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
- قربانی، م.، آذرینوند، ح.، مهربانی، ع.، باستانی، س.، جعفری، م. و نایبی، ه. (۱۳۹۱) تحلیل شبکه‌های اجتماعی: رویکردی نوین در برنامه‌ریزی مدیریت مشارکتی مرتع (مطالعه موردی: منطقه طالقان- روستای ناریان). چکیده مقالات پنجمین همایش ملی مرتع و مرتعداری ایران، بروجرد. اردیبهشت: ۱۱۲-۱۲۶.
- کرانی، ز. و رستمی، ف. (۱۳۸۶) نقش دانش بومی در کشاورزی بوم‌شناختی. دومین همایش ملی کشاورزی بوم‌شناختی ایران. گرگان، مهر. ۳۸۵-۳۹۷.
- کریمی‌ان، ع.، شاطر آبشوری، س.، جایدری، ا. و رحیمی، م. (۱۳۹۱) نقش دانش بومی و مشارکت مردمی در مدیریت مراتع مناطق خشک و بیابانی. چکیده مقالات پنجمین همایش ملی مرتع و مرتعداری ایران. بروجرد، اردیبهشت. ۱۲۶-۱۴۰.
- کلانتری، خ. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی روستایی (رشته اقتصاد کشاورزی). انتشارات دانشگاه پیام نور. ۲۳۶ صفحه.
- لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۸۲). تحولات اجتماعی در روستاهای ایران. انتشارات نوید شیراز. ۳۹۹ صفحه.
- محمدی، ذ. (۱۳۷۸) بررسی نهادهای سنتی بهره‌برداری از مراتع منطقه چنگل‌ها و نقش آنها در اصلاح و احیاء مراتع. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مرتعداری. دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سرشماری سالانه عمومی نفوس و مسکن. سایت اینترنتی: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=521>
- تاریخ دریافت: اردیبهشت ۱۳۹۱.
- نیک خلق، ع. ا. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات چاپخش، تهران. ۳۵۰ صفحه.
- Bodin, O., Crona, B. and Ernstson, H. (2006) Social networks in natural resource management: What is there to learn from a structural perspective? Ecology and Society, 11(2): 61-79.
- Hamidian, A. and Mohammad Zare Chahouki, A. (2001) Investigation on ecological

Investigation on Human and Nature Relationship with Cultural Anthropology Approach (Case Study: Lazor Village, Tehran Province)

Avazeh Dolatshahi, Mehdi Ghorbani and Ali Hamidian*

Faculty of Natural Resources, University of Tehran. * Corresponding Author Email Address: hamidian_a@ut.ac.ir.

Abstract

Human and the Environment interaction are very important. This aimed to discover human and environment interaction using an analytic and descriptive approach in Lazour village, Tehran Province. Indigenous ecological knowledge and social structure in natural resources utilization systems had illustrated in this research. The results revealed that people of Lazour have a rich traditional knowledge for rangeland capability determination and classification and also water management systems. The rural people also had been implemented a temporal and spatial cycle for livestock grazing. According to the results, some kind of social interactions called cooperations influenced human-nature relationships in the village. Therefore, it is necessary to consider these cooperations as cultural capacities for natural resources sustainable management and planning at environmental, economic and social aspects. The results revealed that people of Lazour have a rich knowledge and culture for natural resources sustainable management, which is necessary to reconsider for natural resources planning in order to make parallel policies to cultural and social capabilities.

Keywords: Anthropology, natural resources management, mural community, cooperation.